



آمدم از تهران
یک مهندس
عمران بردم
که آن چه را که
می‌سازیم یک
کار علمی خوب
باشد؛ اگر حمام
می‌سازیم، اگر
جاده می‌سازیم،
اگر مسجد
می‌سازیم، باید
سال‌های سال
کار کند. موفق
هم شدم که
یک مهندس
عمران خوب که
فارغ التحصیل
هند بود را به
کرمانشاه بیاورم



تعمیر می‌کردند. برای ما خیلی عجیب بود که چرا موتورهای الکتریکی را می‌برند خارج و چرا نمی‌گذارند متخصصین داخلی تعمیر کنند؟ مثلاً دشت قزوین یک دشت کشاورزی بود که آن موقع‌ها می‌گفتند توسط اسرائیلی‌ها یا همان خارجی‌ها طراحی و ساخته شده و به لحاظ کشاورزی فوق‌العاده قوی بود. ماشین‌های الکتریکی و پمپ‌های بسیار بزرگ در آنجا استفاده شده بود و می‌شد، ولی ماشین‌ها که خراب می‌شدند تعمیراتش را می‌بردند خارج انجام می‌دادند. به نظر ما وقتی یک موتور می‌سوخد یا خراب می‌شد اینها با یک آموزش خیلی ساده می‌توانستند این کار را در داخل انجام بدهند. آنهایی که بزرگ‌تر بودند، کلاس‌های آموزشی گذاشتند ولی با وجود این، کارهای تعمیراتی در خارج انجام می‌شد. ما گفتیم این کار به طور طبیعی در داخل قابل انجام است، برای همین آموزش‌های تئوری لازم داده شد که اصول عملکرد این ماشین‌های الکتریکی چیست و بعد هم

علمی بود؛ البته نگاه علمی در کنار روحیه جهادی و خسته نشدن از کار.

ریشه‌های اعتقاد در کار

تقریباً در هر دانشگاهی واحدهای جهاد دانشگاهی شکل گرفت و یک تعدادی از بچه‌ها هم در مرکزیت فعالیت می‌کردند. منتهی ما به دلیل علاقه‌ای که به کار مهندسی داشتیم کارمان را در خود همان دانشگاه علم و صنعت انجام می‌دادیم. فعالیت‌های ما یک جهاد فنی بود. همه بحث ما این بود که بیاییم فناوری‌های مورد نیاز کشور را خودمان تولید کنیم و الگوها یا پارامترهایی بسازیم که بگوییم توان انجام این کارها در کشور وجود دارد. البته فعالیت‌های فرهنگی را هم جزئی از کارهای خودمان می‌دانستیم. کارهای فرهنگی هم انجام می‌شد. علاوه بر آن، کارهای آموزشی را هم شروع کردیم؛ آموزش‌های تخصصی حول فناوری‌هایی که خودمان تولید کرده‌ایم. این باور در همه بچه‌ها بود که مشکلی در تولید فناوری نداریم. اعتقاد داشتیم بچه مسلمان هستیم و حتماً خداوند کمک حال مان خواهد بود و او است که سرمایه فکر را در همه انسان‌ها به ودیعه گذاشته است و این‌گونه نیست بگوییم آن کسی که غربی است، باهوش‌تر و آن کسی که آسیایی یا آفریقایی است، کم‌هوش‌تر. نه، خداوند این سرمایه را در اختیار همه گذاشته است، منتهی بستگی به این دارد که چگونه از آن استفاده کنیم و این توانمندی‌ها را از قوه به فعل درآوریم.

قدم اول، مرحله تعمیرات

شروع به کار که کردیم، دیدیم بهتر است با یکسری کارهای تعمیراتی شروع کنیم. مثلاً کارهایی در زمینه تعمیر انواع ماشین‌های الکتریکی، ژنراتورها و ماشین‌هایی که در خارج

